

من ستایشگر آن معلمی هستم که اندیشیدن را به من بیاموزد نه اندیشه ها را.
شهید مرتضی مطهری



فلسفه

کتاب‌های آموزشی برای نگارش توصیه‌هایی



محمدحسین معتمدراد

اشاره

این پرسش که در دنیای امروز، آموزش فلسفه تا چه حد می‌تواند برای دانش‌آموزان مفید باشد، بیش‌تر از این دیدگاه مطرح می‌شود که فلسفه به مسائل واقعی زندگی، به‌ویژه زندگی امروز، بی‌اعتناست و در دنیایی از مجردات نامفهوم سیر می‌کند. در این مقاله، نگارنده در پناه توصیه‌هایش و با اشاره به ماهیت فلسفه، بر این نکته پای می‌فشارد که فلسفه، شیوه‌ی اندیشیدن در باب موضوعات هستی را به ما می‌آموزد. و نیز در کنار دین (به صورت طولی) و به عنوان منبع مهم دانایی در مقابل پرسش‌هایی اساسی، بهترین تکیه‌گاه دانش‌آموز به‌شمار می‌رود. او بر این باور است که ضعف آموزش کنونی فلسفه در مدرسه‌ها، ناشی از ضعف برنامه‌ی درسی است نه مفهوم و ماهیت فلسفه.



مقدمه

می شود، نه تنها بی اعتنا به مسائل زندگی نیست، بلکه در کنار دین (البته به صورت طولی)، به عنوان یک منبع مهم دانایی، در مقابل پرسش های اساسی، بهترین تکیه گاه دانش آموزان به شمار می رود. اگر در تدوین کتاب های کمک آموزشی فلسفه، همراه با ساختار مفهومی این حوزه از معرفت، به نیازها، علاقه ها و مسائل اساسی زندگی نوجوانان نیز توجه شود، بخش عمده ی چراهای آنان نیز پاسخ داده خواهد شد؛ و یا حداقل برای آنان سؤال برانگیز می گردد. چرا که گفته اند: «هم سؤال از فکر خیزد، هم جواب، و این یعنی انس و الفت با فلسفه. به قول برتراند راسل: «فلسفه، ولو این که قادر نباشد به تمام سؤالاتی که می خواهیم، پاسخ دهد، لافل دارای این قدرت است که سؤالاتی را طرح نماید که توجه ما را به بررسی عالم بیش تر جلب کند» (راسل، ص ۲۹).

فلسفه چیست؟ چه ماهیتی دارد؟

این واژه ریشه ی یونانی دارد و یک مصدر جعلی عربی از کلمه ی «فیلوسوفیا» است. «فیلو» به معنای «دوستداری» و «سوفیا» به معنای «دانایی» است. پس کلمه ی فیلوسوفیا به معنای «دوستداری - دانایی» است. (مطهری، ص ۱۴۷). فلسفه، نوعی نگرش به زندگی، جهان

دانش آموزان همواره در زندگی خود با موضوعات اساسی و پرسش هایی بنیادین^۱ مواجه می شوند که برای پاسخ به آن ها و انتخاب هدف های زندگی خود، نیازمند یک «نظام فکری قوی» هستند. به عبارت دیگر، درک درست واقعیت های هستی نیازمند برخورداری از ذهنی ورزیده و نظام مند است تا حس کنجکاوی دانش آموزان را ارضا کند و توانایی آنان را در یافتن پاسخ های مناسب برای پرسش های بنیادین زندگی یاری دهد. در این صورت می توان امیدوار بود که آنان با «شیوه ای متفکرانه» مسائل را تحلیل کنند و در گزینش هدف ها و مقاصد نهایی زندگی، مسیری مطمئن را پیمایند.

فلسفه، بخشی از معارف بشری است که موجب گسترش افق دید، پرورش تفکر نظامدار و بهبود بخشیدن به یادگیری آدمیان می شود؛ به گونه ای که دانش آموزان را نسبت به حوادث و واقعیات محیط با «چراهایی» روبه رو می سازد. فلسفه، آن گونه که گاهی پنداشته

**مسئلاً کسی که نظام مند
می‌اندیشد و آگاهی دارد، بیش از
کسی که فلسفه نمی‌داند و
نمی‌اندیشد، نسبت به امور عالم
فهم و درایت دارد؛ و این مهم‌ترین
امتیاز فلسفه است که دانش‌آموزان
را بیش‌تر به اندیشیدن و
فلسفیدن سوق می‌دهد**

ضرورت آموزش فلسفه

نوکنده، (ص ۱۵۴)، و اندیشه‌ی هگل که «فلسفه را تحقیق اشیا به اندیشه و دیده‌ی خرد» می‌داند (همان، ص ۱۱۲)، هر دو به ماهیت فلسفه نظر دارند. بنابراین، فلسفه محصول عشق به آگاهی بیش‌تر با بهره‌گیری از چشم‌انداز عقلی به موضوعات از قبیل: خدا، جهان و انسان، برای رسیدن به حقیقت است.

مهم‌ترین رسالت کتاب‌های آموزشی فلسفه، تبیین جایگاه فلسفه در میان سایر دانش‌های انسانی، از قبیل علوم اجتماعی، اخلاقی و... است. برای مثال، علوم اعتقادی (دانش کلام) به بررسی برخی از مسائل دینی می‌پردازد و می‌خواهد وجود خدا، یگانگی و سایر صفات او، هدفمندی خلقت، عدالت، قیامت و جهان ماوراءطبیعه را با برهان به اثبات برساند.

و انسان است. به عبارت دیگر، فلسفه، غوطه‌ور شدن در کنه و ذات هر چیز است. فیلسوفان و روان‌شناسان، بر این باور اتفاق نظر دارند که انسان فطرتاً، پرسشگر و جست‌وجوگر است. به ویژه هنگامی که با بحران مواجه می‌شود، نگرش فلسفی‌اش به هستی تحریک و تهییج می‌شود؛ نگرشی که بیش‌تر تمایل دارد موضوعات را از یک چشم‌انداز وسیع و عمیق عقلانی بررسی کند. گرایش‌های فلسفی نوعاً و غالباً با تلاش‌های درونی و عقلی انسان توأم هستند و بدین‌گونه تحلیل می‌شوند.

ماهیت فلسفه همین است که انسان به عمق «چیستی‌ها» پردازد و اسرار را کشف کند. جمله‌ی معروف صدرالمتألهین شیرازی، معروف به ملاصدرا که می‌گوید: «هدف از تحصیل فلسفه، ارتقای انسان از پائین‌ترین مراتب به عالی‌ترین مراتب کمال است» (مردانی





از قبیل :

- آیا وجود هستی مساوی با ماده است؟
- آیا هستی بر دو بخش است؟ بخشی از آن مادی است و بخشی دیگر مادی نیست و از آثار ماده است؟
- آیا هر پدیده‌ای نیاز به علت دارد؟
- جهان از کجا آمده و به کجا می‌رود؟
- آیا جهان اول و آخر دارد یا نه؟
- آیا برای مجموع جهان مکانی هست یا نه؟
- آیا این نظام، نظامی بدیع و زیبا است و در آن زشتی و کجی وجود ندارد، یا پوچ و نازیباست؟
- آیا موجود، معدوم می‌شود، یا معدوم موجود می‌شود، یا موجودی که معدوم شد، بار دیگر امکان اعاده را دارد یا نه؟
- آیا پس از حیات دنیوی، حیات دیگری هم هست یا نه؟
- آیا جهان در برابر کارهای نیک و بد انسان، واکنش دارد یا نه؟
- جایگاه انسان در عالم هستی کجاست؟
- چه ارتباطی بین انسان و جهان هستی وجود دارد؟

از نکات مهم در تدوین کتاب‌های آموزشی فلسفه، تبیین ابعاد فلسفه و نقش و جایگاه آن در مجموعه‌ی علوم بشری برای دانش آموزان است

از این منظر هم می‌توان اهمیت فلسفه را این‌گونه تشریح کرد که فلسفه به انسان کمک می‌کند تا در ورود به مباحث گوناگون اعتقادی، از مبادی صحیح شروع به اندیشیدن کند. به علاوه، او را از اندیشه‌ی دیگران بی‌نیاز می‌سازد.

اگر به مقتضیات زندگی انسان توجه کنیم، خواهیم دید که یک رشته مسائلی وجود دارند که هیچ علمی به خاطر محدود بودن قلمروی موضوعی خود، نمی‌تواند درباره‌ی آن‌ها تصمیم بگیرد و یا اظهار نظر کند. تنها فلسفه است که به خاطر دید کلی و وسیعی که دارد، می‌تواند به این رشته از مسائل پاسخ گوید. ضرورت فلسفه بیش‌تر از آن روست که می‌تواند به کلی‌ترین و اساسی‌ترین پرسش‌های مربوط به هستی‌شناسی پاسخ بگوید؛ پرسش‌هایی

■ آیا هستی در مجموع خود قانونمند است یا بی قانون و بی ضابطه است؟

■ آیا هستی در مجموع خود حق است یا پوچ و بی معنا؟

■ چرا جهان هستی واقعیت یافته است؟

■ آیا مجموع جهان، موجود واحدی است، و از وحدت حقیقی برخوردار است یا موجودات آن یک رشته موجود پراکنده‌اند که در کنار هم قرار گرفته‌اند؟

ابعاد فلسفه

از نکات مهم در تدوین کتاب‌های آموزشی فلسفه، تبیین ابعاد فلسفه و نقش و جایگاه آن در مجموعه‌ی علوم بشری برای دانش‌آموزان است. فلسفه به عنوان شاخه‌ای از معرفت بشری، می‌تواند در کنار سایر علوم قرار گیرد، با آن‌ها مقایسه شود، و علل موفقیت یا رکود آن در مقایسه با سایر علوم مورد بررسی قرار گیرد. از این دیدگاه، فلسفه برای خود موضوعی دارد و هدفی را جست‌وجو می‌کند.

از جنبه‌ی دیگری هم می‌توانیم به فلسفه پردازیم و آن چستی رویکرد آن است. هر انسانی در زندگی خود، فلسفه را به عنوان «فلسفه‌ی زندگی» به همراه دارد و از این طریق به دنبال چستی‌های زندگی است. از این دیدگاه، هر انسانی را باید فیلسوفی دانست که ذاتاً با تفکر فلسفی آشناست؛ یعنی تفکر عقلانی که تمام انسان‌ها در

صحنه‌های گوناگون زندگی کم‌وبیش با آن سروکار دارند. بنابراین می‌توان گفت، فلسفه موضوعی نیست که منحصر به فیلسوفان باشد. نوعی گرایش نسبت به زندگی، جهان و انسان است که در همه‌جا حضور دارد.

مسئلاً کسی که نظام‌مند می‌اندیشد و آگاهی دارد، بیش از کسی که فلسفه نمی‌داند و نمی‌اندیشد، نسبت به امور عالم فهم و درایت دارد؛ و این مهم‌ترین امتیاز فلسفه است که دانش‌آموزان را بیش‌تر به اندیشیدن و فلسفیدن سوق می‌دهد. این که بشر برای رهایی از بحران‌ها به رویکردی فراشناختی از زندگی نیازمند است، خود تأکیدی بر ضرورت اندیشه‌ی فلسفی و خردورزانه در زندگی است.





چگونگی آموزش فلسفه در برنامه ریزی درسی

الف) فلسفه و مسائل اساسی دانش‌آموزان
مسائل اساسی دانش‌آموز، همان نیازها و علاقه‌هایی هستند که درس فلسفه باید با آن‌ها پیوند اساسی ایجاد کند. آنچه در برنامه‌ریزی درس فلسفه یک اقدام آموزشی محسوب می‌شود و به عنوان هدف اصلی درس فلسفه مطرح است، بالا بردن و تقویت قدرت تشخیص، اندیشیدن و تمیز استدلال است.

ب) فلسفه و مسائل جامعه

درس فلسفه با مسائل جامعه بی‌ارتباط نیست و از طریق آن، دانش‌آموزان می‌توانند به قابلیت‌هایی متفاوتی راه یابند؛ از جمله پی‌بردن به ماهیت مقوله‌هایی

مانند: آزادی، دموکراسی، اصلاح طلبی و... در درس فلسفه می‌توان درست‌اندیشی و تحلیل ماهوی را در مقوله‌های مطرح شده تقویت کرد.

ج) فلسفه و مسائل معرفت‌فلسفی

در درس فلسفه، تکیه‌ی دانش‌آموز باید بر نگاه به ماهیت پدیده‌ها باشد و نباید در ساختار مفاهیم فلسفی غوطه‌ور شود. پرداختن به واژه‌هایی مانند: آزادی، دموکراسی، اصلاح طلبی و... و تشریح آن‌ها به تحلیل ماهیت آن‌ها نیاز دارد. اگر دانش‌آموز قوه‌ی تعقل خود را در مسیر تجزیه و تحلیل ماهوی سوق دهد، قطعاً به دانایی می‌رسد.

تحلیل مقوله‌هایی که در حوزه‌ی معرفت فلسفه مطرح می‌شوند، به ایجاد تغییر و تحول در نحوه‌ی تفکر نیاز دارد. لذا به پدیدآورندگان کتاب‌های آموزشی فلسفه توصیه می‌شود، مفاهیم این حوزه‌ی معرفت را به سبک ساده و روان تحلیل کنند و برای دانش‌آموزان به رشته‌ی تحریر درآورند.

نارسایی‌های آموزش کنونی فلسفه

سال‌هاست که در برنامه‌ی درسی فلسفه، نارسایی‌هایی وجود دارند که سبب می‌شوند، بسیاری از نوجوانان و جوانان، خصوصاً قشر دانش‌آموز و دانشجو، از

- درس و رشته‌ی دانشگاهی فلسفه بگریزند،
- یا حداقل نسبت به آن بی‌ رغبت شوند. ۲
- مهم‌ترین نارسایی‌هایی که در حال حاضر مطرح هستند، عبارتند از:
- ۱. پیچیدگی و اغلاق بیش از اندازه‌ی کتاب‌های آموزشی فلسفه که مخاطب را از فهم مطالب آن‌ها ناامید می‌سازد.
- ۲. طرح پاره‌ای از مسائلی که چندان کاربردی در تحقیق مسائل فلسفی ندارند.
- ۳. کمبود کتاب‌های کمک درسی که با اصول تنظیم و تدوین محتوای آموزشی، به نگارش درآمده باشند.
- ۴. نبود کتاب‌های آموزشی متنوع برای درس فلسفه (متمرکز و منحصر به فرد بودن کتاب درسی فلسفه).
- ۵. فقدان آموزش ضمن خدمت مستمر برای مدرسان و معلمان فلسفه.
- ۶. کم ارتباط بودن مباحث کتاب‌های درسی فلسفه با نیازهای زندگی دانش‌آموزان و دانشجویان.
- ۷. ناکافی بودن فرصت آموزشی برای تدریس درس فلسفه از لحاظ واحد و ساعت هفتگی. گویا به حجم ظاهری درس توجه می‌شود، نه به کیفیت و عمق آن.
- با عنایت به نارسایی‌های مطرح شده، ایجاد تحول در آموزش درس فلسفه و تدوین کتاب‌های آموزشی مناسب برای دانش‌آموزان الزامی است.

زیرنویس

۱. از قبیل از کجا آمده‌ایم، زندگی یعنی چه؟، بعد از مرگ به کجا می‌رویم؟ و...
۲. درس فلسفه‌ی پیش‌دانشگاهی برای رشته‌ی غیرعلوم انسانی، به عنوان واحد اختیاری مطرح است، اما در عمل تقریباً هیچ دانش‌آموزی این واحد را انتخاب نمی‌کند.

منابع

۱. مردانی نوکنده، محمدحسین. فلسفه برای جوانان. مؤسسه انتشاراتی عصر رسانه. چاپ اول. ۱۳۸۱.
 ۲. راسل، برتراند. مسائل فلسفه. ترجمه‌ی منوچهر بزرگمهر.
 ۳. ملکی، حسن. تحلیل آموزش فلسفه از منظر برنامه‌ریزی درسی. ۱۳۷۹.
 ۴. مطهری، مرتضی. آشنایی با علوم اسلامی، جلد اول، انتشارات صدرا، چاپ نوزدهم، زمستان ۱۳۷۵.
 ۵. مصباح‌یزدی، محمدتقی. دروس فلسفه. مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی. چاپ اول. ۱۳۶۳.
6. <http://hekmat-14 persian blog.com>
(آسیب‌شناسی درس فلسفه)

